

عبادت

و بندگی

پیامبر اکرم



عبدالکریم پاک نیا

انبیاء بندگان خالص

در کوی عشق، شوکت شاهی نمی خرنند
اقرار بندگی کن و اظهار چاکری^۱
از منظر قرآن، مقام عبودیت،
بارزترین ویژگی پیامبران الهی است که
خداوند متعال با این امتیاز، از آن
گرامیان نام می برد. در سوره «ص»
در باره حضرت داوود علیه السلام می فرماید:
﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾^۲
«و به خاطر بیاور، بنده ما داوود
صاحب قدرت را، که او بسیار
توبه کننده بود.»

أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَ أُنزِلَ مَسِينِ الشَّيْطَانِ
يُنْزِبُ وَعَذَابٌ﴾^۳ «و به خاطر بیاور
بنده ما ایوب را، هنگامی که
پروردگارش را خوانده و گفت:
پروردگارا! شیطان مرا به رنج و عذاب
افکنده است.»

علاوه بر مقام عبودیت انبیای
بزرگ الهی که کلام وحی آن را
بزرگترین امتیاز برای ایشان
می شمارد؛ پیامبر گرامی اسلام را با
صفت بنده بودن معرفی می کند. اکنون

و مقام عبودیت ایوب علیه السلام را این
چنین توصیف می کند: ﴿وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا

۱. حافظ.

۲. ص/۱۷.

۳. ص/۴۱.

دو نمونه از این آیات را می‌خوانیم:

۱. ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾^۱ «با برکت است خداوندی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهندهٔ جهانیان باشد.»

۲. ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾^۲ «خداوند آنچه را وحی کردنی بود، [در معراج] به بنده‌اش وحی کرد.»

آری، مهم‌ترین ویژگی رسول اکرم ﷺ که قرآن بر آن تأکید دارد؛ مقام عبودیت و بندگی مطلق آن حضرت است که مناجات‌ها، دعاها و شب زنده‌داری‌های او، نمود و جلوه‌ای از این ویژگی است.

با این اوصاف، خداوند متعال، باز هم رسول گرامی اسلام را به عبادت و بندگی خالص ترغیب و تشویق می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾^۳ «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم. پس خدا را عبادت کن در حالی که دین خود را برای او خالص می‌گردانی.»

همچنین در سورهٔ حجر، آن حضرت را در برابر مشکلات،

این‌گونه بیمه می‌کند:

﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ * وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾^۴ «ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند). پروردگارت را تسبیح و حمد گو و از سجده‌کنندگان باش و پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ) تو فرارسد.»

سنجر مستحکم بندگی

تمایل خاتم انبیا ﷺ به عبادت‌های سحری، رمز موفقیت آن حضرت در صحنه‌های مختلف زندگی و مبارزه با دشمنان اصول و ارزشهای اسلامی بود. گریه‌های شبانه، بیتوته‌های غار حرا، تفکر در صنع الهی و خلقت آسمانها و زمین و نظاره کردن جمال و جلال الهی با چشم دل، وجود آن رسول خاتم را برای نزول وحی و ارتباط با روح القدس آماده کرده بود.

۱. فرقان/۱.

۲. نجم/۱۰.

۳. زمر/۲.

۴. حجر/۹۷-۹۹.

لجوج، به یک پشتوانه قوی و بی‌منتهای معنوی نیاز داشت و آن هم به غیر از تهجد و عبادتهای شبانه و ارتباط با خالق هستی به دست نمی‌آمد. علامه طباطبایی در تفسیر آیات سوره مزمل که گذشت می‌فرماید: «قرآن کریم، کلام الهی است و از حیث فهم معنایش ثقیل است و پیامبر ﷺ آن را از ساحت عظمت و کبریایی حق گرفته است و این کلام پاک را جز نفوس پاک و مطهر از هر پلیدی نمی‌فهمند. همچنین اجرای پیامهای حیاتبخش قرآن نیز در جامعه [انسانی که با خرافه و جهل عجین شده] امری سنگین و دشوار است و با موانع بسیاری رو به رو است. به همین سبب، خداوند می‌فرماید: «ما این قرآن را که سخن ثقیلی است بر تو القامی کنیم» و [چون] دریافتن این کلام بلند و متعالی نیاز به روحی بلند و دلی پاک و مطهر دارد و تفکر و مناجات و شب‌زنده‌داری و خلوت با خدای عالمیان می‌تواند چنین آمادگی را ایجاد

پیامبر هر چه داشت از تهجد و سحرخیزیها و عبادتهای شبانه و عبودیت در برابر حضرت حق بود.

در آیات و حیانی قرآن، بارها به این شاخصه آن گرامی اشاره شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّا سَأَلْنَاكَ عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا * إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا * وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا﴾^۱ «در حقیقت ما به تو گفتاری گرانبها القامی کنیم. مسلماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت‌تر است و تو در روز، تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند.»

بسه این جهت علی‌علیه در مناجاتهای خود می‌فرمود: «الهی کفّی بی عزاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا،^۲ خدایا این عزت و افتخار برای من کافی است که فقط بنده تو باشم.»

مهم‌ترین پشتوانه رسالت

بدون تردید، تحمل وحی الهی، ادامه راه پرفراز و نشیب رسالت و مقاومت در برابر مشرکان سخت و

۱. مزمل/۵-۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

حال استراحت هستند و فقط انسان است و خدای خویش. دعا، مناجات و تلاوت قرآن با تدبیر، بهترین راه تقویت ایمان، استقامت و تقوا است.

معیار ارزش انسان

اساساً معیار ارزش انسان نزد خدای متعال به نمازها، دعاها، نیایشهای عاشقانه و خالصانه و مقام عبودیت اوست؛ هم چنان که قرآن می فرماید: «قُلْ مَا يَغْتَوُّوْا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱؛ «ای رسول ما! بگو اگر دعا و مناجات شما نباشد، پروردگارم هیچ ارزشی برای شما قائل نیست.»

طبق این آیه، ارزش واقعی یک انسان نزد خداوند به شهرت، دارایی، علم و مقام نیست؛ بلکه به عبودیت، خضوع، دعا و التماس در مقابل پروردگار جهانیان بستگی دارد. هر کسی ارتباطش با خداوند بیش تر باشد، نزد خداوند مقام والاتری دارد.

وقتی از امام باقر علیه السلام از تفسیر این

کند، به همین جهت می فرماید: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً * نَضْفَةَ وَأَوْانْقُضَ مِنْهُ قَلِيلاً * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»^۱؛ «در شب [برای تهجد] به پا خیز؛ مگر اندکی از شب را. نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن یا بر نصف بیفزای و قرآن را شمرده شمرده و با تأمل بخوان.»^۲

خداوند متعال در این آیات برای اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله پیام و حیانی خدا را دریافت و به اصلاح جامعه قیام کند، نخست، دستور سحرخیزی و عبادت شبانه می دهد. آری، اصلاح جامعه به خودسازی فردی نیاز دارد که جهاد اکبر و زیربنای انجام رسالتی عظیم و بزرگ است.

دعای صبح و آه شب، کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می رو که با دلدار پیوندی هنگام شب، زندگی معمولی انسان تعطیل است، تاریکی و خلوت، بهترین فرصت را در اختیار انسان قرار می دهد تا فارغ از همه چیز در قدرت لایزال خداوند تفکر و اندیشه کند و گذشته و آینده اش را محاسبه نماید. تهذیب نفس و تربیت روح و صفای دل در همان لحظات است که همه در

۱. مزمل/۲-۴.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۲۰، ص ۶۱

۳. فرقان/۷۷.

آیه سؤال شد که آیا تلاوت قرآن افضل است یا دعای بسیار؟ امام فرمود: «دعای فراوان» و آیه فوق را تلاوت کرد.^۱

در حقیقت، اعمال و رفتار ما، هر چقدر هم در ظاهر، عالی باشد؛ اما بدون سرسپردگی و فروتنی در مقابل خدا سودی ندارد. بی شک، شرافت انسان به معرفت و اطاعت او بستگی دارد و در غیر این صورت با سایر حیوانات مساوی خواهد بود.

در خلوت شبهای تار

از مطالب گذشته روشن می شود که چرا خداوند بارها در قرآن، رسول گرامی اسلام را به تهجد و شب زنده داری دعوت می کند و می فرماید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا﴾^۲ «و پاسی از شب را به تهجد [و عبادت و شب زنده داری] پرداز تا برای تو به منزله نافله ای باشد. امید است که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.» و تهجد به معنای بیداری بعد از خواب است.^۳

آری:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ
از یمن دعای شب و ورد سحری بود
پیامبر اکرم ﷺ نیز برای عمل به
این دستور خداوند و اظهار عبودیت و
بندگی، عبادتهای خود را به نحو
شایسته ای انجام می داد. امام صادق علیه السلام
ضمن بیان چگونگی نمازهای شبانه
رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «آن
حضرت، چون شب می خواست
بخوابد ظرف آب سرپوشیده ای را
بالای سرش می گذاشت و مسواک
خود را هم در کنارش قرار می داد و
می خوابید. چون از خواب بیدار
می شد به آسمان نگاه می کرد و آیات:
﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...﴾^۴ را از سوره آل عمران
می خواند. سپس دندانهایش را مسواک
می کرد و وضو می گرفت و به محل
عبادت خود می رفت و چهار رکعت از

۱. تفسیر منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش، ج ۶، ص ۳۹۹.
۲. اِسْرَاءُ/۷۹.
۳. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، قم، اسماعیلیان، سوم، ج ۱۳، ص ۱۷۵.
۴. آل عمران/۱۹۰-۱۹۴.

پیامبر ﷺ روایت می‌کند که حضرت رسول ﷺ هفتاد بار در نماز «وتر» استغفار می‌کرد و سپس می‌فرمود: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ؛ خدایا! این مقام کسی است که از آتش جهنم به تو پناهنده می‌شود.» همچنین آن حضرت در قنوت نماز «وتر» این‌گونه با خدا نجوا می‌کرد: «خدایا! مرا در زمرة هدایت‌شدگان رهبری فرما و از عافیت‌یافتگان قرار ده. عطاهایت را برایم مبارک فرما و مرا از شرور حتمی، نجات ده. خدایا! کسی بر تو حکومت نمی‌کند و تمام حکومت، تنها از آن توست. ای خدای کعبه! تو پاک و منزهی. از تو آمرزش می‌خواهم و به سویت باز می‌گردم و به تو ایمان می‌آورم و توکل می‌کنم و لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ»^۲

بنده شکور خداوند

رسول گرامی اسلام ﷺ همواره و در تمام لحظات زندگی، خود را در محضر خداوند متعال احساس

نماز شب را می‌خواند که رکوع هر رکعتش به قدر قرائت و سجودش به قدر رکوع آن طول می‌کشید؛ به حدی که گفته می‌شد: کی سر از رکوع برمی‌دارد و به سجده می‌رود؟! و همچنین سجده‌اش به حدی طولانی بود که گفته می‌شد چه وقت سر برمی‌دارد؟ آن‌گاه به بستر خود برمی‌گشت و آن قدر که مشیت الهی بود می‌خوابید و سپس بیدار می‌شد، می‌نشست و چشمانش را به آسمان می‌دوخت و همان آیات را تلاوت می‌فرمود. آن‌گاه مسواک می‌کرد و وضو می‌گرفت و به محل عبادتش می‌رفت و به خواندن چهار رکعت دیگر از نماز شب به همان صورت اول می‌پرداخت و دوباره به بستر خود باز می‌گشت و مقداری دیگر نیز می‌خوابید. سپس بیدار می‌شد، نگاه به آسمان می‌کرد و همان آیات را تلاوت می‌فرمود و دوباره مسواک کرده، وضو می‌گرفت و مابقی نماز شب (شفع و وتر) را می‌خواند. سپس برای ادای فریضه صبح وارد مسجد می‌شد.^۱

شیخ صدوق درباره نماز شب

۱. سنن النبی، علامه طباطبایی، تهران، اسلامیة،

هفتم، ص ۲۴۰.

۲. همان، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

برکات آن به پیامبر خدا ﷺ بسیار سفارش کرده است. رسول خدا نیز این آیات را همواره نصب العین خود قرار داده بود و تلاوت می کرد که: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا»^۴ «و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و مقداری طولانی از شب او را تسبیح گوی.»

خاتم رسولان ﷺ نه تنها خود در عمل به شب زنده داری قیام می کرد؛ بلکه به پیروانش نیز می فرمود: «بر شما باد به برپاداشتن نماز شب و سحرخیزی؛ به درستی که نماز شب، عادت انسانهای نیکوکار قبل از شماس است. شب زنده داری، انسان را به خدا نزدیک می کند، کفاره معصیتهای گذشته است و از گناه و آلودگیهای باطنی در آینده محافظت می کند.»^۵

می کرد؛ اما این احساس حضور، در هنگام عبادت به اوج خود می رسید. امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر چنان در حال عبادت، ادب حضور را رعایت می کرد که انگشتان پاهایش متورم می شد.»^۱

وقتی یکی از همسران آن حضرت از کوشش فراوان پیامبر ﷺ در انجام نمازهای نیمه شب و سحرخیزیهای ممتد و مکرر آن حضرت، تعجب کرده و گفت: «ای رسول خدا! مگر نه این است که خدای متعال، گناهان گذشته و آینده تو را بخشید؟! چرا این قدر به خود زحمت می دهی و شب بیداری می کشی و این همه ناله و مناجات و دعا می کنی؟!» رسول خدا ﷺ فرمود: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»^۲ آیا بنده شکرگزاری نباشم؟!»

رسول خدا ﷺ می فرمود: «جبرئیل درباره برپایی نماز شب، آن قدر به من سفارش کرد که من گمان کردم برگزیدگان و نیکان امت من، هرگز سحرخیزی و شب زنده داری را ترک نخواهند کرد.»^۳

خداوند در باره شب زنده داری و

۱. تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، قم، اسماعیلیان، ج ۳، ص ۷۴۹.

۲. همان.

۳. کنز العمال، متقی بن حسام الدین هندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۷، ص ۷۹۰.

۴. انسان، ۲۶.

۵. سنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دار الفکر، ج ۲، ص ۵۰۲ و جامع احادیث الشیعه، حاج آقا حسین بروجردی، قم، چاپخانه

عرفانی و سراسر عشق و خلوص پیامبر ﷺ به گریه افتاد تا اینکه پیامبر متوجه او شد و فرمود: «ای ام سلمه! چرا گریه می‌کنی؟» گفت: «ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! شما با آن مقام و منزلت که نزد خدای متعال داری این‌گونه با تضرع و خشوع و التماس دعا می‌کنی و حاجت می‌طلبی؟» پیامبر فرمود: «ای ام سلمه! من چگونه خود را در امان ببینم که خداوند یک لحظه «یونس بن متی» را به خودش واگذار کرد و او را به حالش رها کرد. به آن حادثه دردناک گرفتار شد.»^۱

رسول گرامی اسلام ﷺ در انجام دعا و عبادات، نهایت تلاش خود را انجام داد و زیباترین حالات روحانی را اطرافیان از آن وجود گرامی مشاهده می‌کردند. احمد بن فهد حلّی از دانشمندان بزرگ امامیه در قرن هشتم و نهم هجری با نقل روایتی می‌نویسد: «حضرت محمد ﷺ هنگامی که به دعا و راز و نیاز می‌پرداخت، دستهایش را بلند

ام سلمه در گزارشی از چگونگی عبادات و راز و نیازه‌های شبانه پیامبر ﷺ می‌گوید: «وقتی در نیمه‌های شب، متوجه عدم حضور پیامبر ﷺ شدم به جستجو پرداختم و با کمال شگفتی دیدم حضرت در نیمه‌های تاریک شب در گوشه‌ای ایستاده، دستها را به سوی آسمان دراز کرده و اشک از چشمانش سرازیر است و با خداوند راز و نیاز می‌کند و با لحنی آکنده از عشق و سوز و معرفت می‌گوید: «اللَّهُمَّ لَا تَنْزِعْ مِنِّي صَالِحَ مَا أَعْطَيْتَنِي أَبَدًا، اللَّهُمَّ لَا تَشْمَتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تُرَدِّدْنِي فِي سُوءِ اسْتَفْذَتَنِي مِنْهُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، پروردگارا! هرگز از من نیک‌ترین عطاها را باز پس نگیر! خدایا! مرا در معرض شماتت دشمن و افراد حسود قرار نده! بار الها! مرا دوباره به حوادث بد و ناگوار که نجات داده‌ای برنگردان! بار پروردگارا! مرا [یک لحظه] به اندازه چشم به هم زدن به نفس خودم واگذار مکن!»

ام سلمه با دیدن این حالت

علمیه، ۱۳۹۹ق، ج ۷، ص ۱۰۹.

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۷۴.

به آن حضرت دست می‌داد و از خوف جلال و عظمت الهی منقلب می‌شد.^۲

خداوند در آن آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَنْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَضْعَفُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾؛^۳ «در هیچ حال و اندیشه‌ای نیستی و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و هیچ عملی را انجام نمی‌دهی؛ مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم، در آن هنگام که در آن وارد می‌شوید و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛ حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر؛ مگر اینکه همه آنها در کتاب آشکار [و لوح محفوظ علم خداوند] ثبت است.»

می‌کرد و همانند فقیر درمانده و گرسنه‌ای که طعام می‌خواهد به درگاه الهی ناله و زاری می‌کرد.^۱

آرام‌بخش‌ترین مونس

یکی از برنامه‌های سحرخیزان و عاشقان خدا تلاوت قرآن در خلوت با حضرت حق است. تلاوت قرآن، دلها را صفا می‌بخشد، انسان را به سوی دیار خوبان و پاکان هدایت می‌کند و اندیشه‌های زلال و حیانی را در وجود افراد شکوفا می‌سازد. امیدواری، رستگاری و بندگی را به ارمغان آورده، انسان را با پیامهای حیاتبخش وحی پیوند می‌دهد.

امام باقر علیه السلام درباره تلاوت‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آهنگ صدای پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام تلاوت قرآن، آن چنان زیبا بود که دلها را جذب می‌کرد و از همه مسلمانان دلریاتر می‌خواند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از تلاوت قرآن از شیطان به خدا پناه می‌برد و می‌فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.» وقتی به آیه ۶۱ یونس می‌رسید - که نظارت و علم و آگاهی خداوند را بر اعمال بندگان بیان می‌کند - گریه شدیدی

۱. عدة الداعی، ابن فهد حلی، دار الکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۶.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۳؛ تفسیر صافی، ملامحسن فیض کاشانی، بیروت، مؤسسه اعلمی، ج ۲، ص ۴۰۸ و تفسیر کنز الدقائق، محمد بن محمد رضا مشهدی قمی، تهران، نشر وزارت ارشاد، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۴۲۳.

۳. یونس/۶۱.